

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد
۰۷ می ۲۰۱۹

دورنمای اعتراضی «واسکت های زرد» در فرانسه

نزدیک به شش ماه از اعتراضات «واسکت های زرد» در فرانسه می‌گذرد. دلایل به خیابان‌ها آمدن هزاران انسان دردمند و آن‌هم با الگوی «واسکت های زرد» روشن است. گرانی مسکن، بالا رفتن اقلام اولیه زندگی، آب و برق، سوخت، ایاب و ذهاب و غیره از زمره موارد سرازیر شدن مردم به خیابان‌های فرانسه - و به ویژه در شنبه‌ها - است. زیر بنا و چرائی اصلی آن، به مناسبات حاکم بر جهان سرمایه‌داری و به ویژه به سیستم ناعادلانه و غیر انسانی طبقه حاکمه فرانسه بر می‌گردد. در حقیقت این‌دست به خیابان آمدن‌ها در عصر تعرض وحشیانه به پایه‌ی‌ترین حقوق انسان‌ها نه تنها شگفت‌انگیز نیست؛ بلکه از سر ناسازگاری، با افکار گردانندگان جامعه‌ایست که از قبل حاصل کار و تولید میلیون‌ها کارگر و زحمتکش، خیال انباشت بیش از پیش سرمایه‌های مملکت و دسترنج آنان را دارند.

در مقوله غارت‌گران و حاکمان، تقسیم ثروت جامعه بین سازندگان اصلی آن و یا تأمین نیازهای اولیه و زیستی آنان بی‌معناست. خواست‌ها کاملاً متفاوت از هم است و بازتاب آن‌ها را می‌توان در عرصه‌های جوربه‌جور جامعه و به شکل ساده دید. چاله‌های اقتصادی، سیاسی، رفاهی و فرهنگی بسیار گل و گشادتر شده است و مردم در میدان‌های ساخته شده سرمایه‌داران، در حال جدال بی‌سابقه و کلنجار رفتن برای بقای خویش‌اند. به این علت که برداشت‌های حاصل از نعمات جامعه، برابر نیست. طبقه بالا با تسخیر و با در دست داشتن اهرم‌های قدرت و سرکوب، ساز و نوای خود را می‌زند و طبقه پائین با دستانی خالی و اما، با انبانی از خشم و نفرت از حاکمان، در تقلا و در تلاش برای ادامه زندگی بخور و نمیر خویش است. حاکم نمودن چنین فضائی در سطوح جامعه، راه چاره‌ای در برابر مردم نمی‌گذارد. به موازات آن‌ها و اگر چه دیده شده است که دغل‌بازی، ریاکاری و سرکوب، تا حد و حدود، و یا زمان معینی گیرائی و کاربرد خواهد داشت، ولی مداوم و ابدی نخواهد بود. مسلم است که فشار و مختصات سازمان داده شده زندگی از جانب دولت‌مردان سرمایه، راه اعتراض، خیزش و جنبش در میان پائینی‌ها را فراهم خواهد کرد که اعتراضات «واسکت های زرد»ی فرانسه، یکی از آن‌هاست.

خواست این طرف قضیه - یعنی «واسکت های زرد» و میلیون‌ها انسان دردمند - روشن است. زندگی مردم و آن‌هم در مهد به اصطلاح جهان متمدن و سرشار از ثروت، به روز، تعریف شده است. در چنین جهانی هیچ گونه امنیت زیستی برای سازندگان اصلی جوامع بشری نیست در این اثناء میلیون‌ها کودک فرانسه به دلیل گرانی سرسام آور و

ناتوانی والدین‌شان از فراگیری دانش و تحصیل محروم‌اند. خیابان‌های پاریس پُر از بی‌خانمان‌ها شده است و بنابه گفته ارگان‌های تبلیغاتی‌شان، نزدیک به ۴ میلیون نفر در فرانسه بیکار اند و بیش از ۲.۵ میلیون نفر در پی کار دائم اند. به دنبال آن‌ها، روی آوری جوانان به مواد مخدر و دیگر مصائب اجتماعی از زمره اوضاع تأسفباری است که بر فضای جامعه فرانسه سایه انداخته است. البته قرار بود که «مکرون» مدافع «سوسیالیست» و «عدالت اجتماعی»، گام به‌گام، بر مشکل بیکاری و دیگر نامالیقات اقتصادی - سیاسی فائق آید و جامعه مختص به انسان و انسانیت را در صحن فرانسه حاکم گرداند!! قرار بود زندگی بی‌خانمانان و کودکان فقر را سر و سامان دهد!! قرار بود حق اعتراض نسبت به بی‌عدالتی‌های موجود را به رسمیت بشناسد!! لیکن به جای آن‌ها و از همان آغازین بر سر کار آمدنش، پیشنهاد استخدام و اخراج کارگران توسط کارفرمایان را در دستور کار خود قرار داده است؛ به جای آن‌ها بر مالیات حقوق بگیران و کم درآمدها افزوده است تا به قول خویش، بر میزان رشد اقتصادی جامعه فرانسه بیفزاید! به جای آن‌ها اعتراضات بحق «واسکت های زرد» و اوّل ماه مه - روز جهانی کارگر - را مورد تعرض وحشیانه خود قرار داده است تا مبدا چرخه عدالت مورد علاقه سرمایه‌داران، در دست‌اندازی‌های جنبش‌های اعتراضی و رادیکال گیر کند.

پیداست که انتخاب این‌دست سیاست‌ها، چیزی جز پیگیری سیاست‌های دولت «سوسیالیست» «اولاندو» نیست. میلیاردها یورو در زیر سایه دولت «مکرون» به هدر می‌رود و میلیاردها یورو به حساب اماکنی هم‌چون کلیسای «نوتردام» ریخته می‌شود تا طبقه سرمایه‌داری بتواند با آرامش بیشتری بر سیاست جهل و تاریک‌اندیشی خویش تداوم بخشد. مردم فرانسه غرق در نداری و ناتوانی در تهیه نیازهای اولیه زندگی‌اند، به دنباله و در کنار کلیسای «نوتردام»، صدها تن به دلیل نداشتن سقف، شب‌ها در کنار خیابان‌ها، سر می‌کنند. تا «مکرون» با خیالی آسوده‌تر بتواند سیاست‌های هم‌سوئی با بازارهای جهانی علیه میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش را پی گیرد. این چه جامعه‌ای است که «مکرون» مدافع «عدالت اجتماعی» در پی آن است؟! این چه جامعه‌ای است که فقط پس از چند روز از آتش‌سوزی «نوتردام»، میلیون‌ها یورو به حسابش ریخته می‌شود و در عوض کمترین تلاشی برای رفع نیازمندی‌های اولیه زندگی درمندان صورت نمی‌گیرد. باری، میلیون‌ها یورو برای ترمیم «نوتردام» اختصاص یافته است و در عوض دولت مدافع «عدالت اجتماعی»، کارگر را از کار بیکار، بانک‌هایش خانه‌های مردم را به دلیل ناتوانی در پرداخت اقساط مصادره، کودکان را از تحصیل محروم و خلاصه اعتراضات و مخالفت‌های بحق کارگری و مردمی را با باتوم و تیراندازی، با گاز اشک‌آور و دستگیری پاسخ می‌دهد.

می‌گویند - و در حقیقت بهانه‌شان این است - که، خزانه دولت برای سازندگی جامعه و رفع و رجوع نمودن نیازمندی‌های مردم، از جمله آموزش و پرورش، بهداشت، تأمین حقوق اجتماعی و امثالهم، خالی‌ست! لیکن شواهد و اسناد موجود و کمک مالی بیش از ۱ میلیارد یورونی و آن‌هم ظرف یک هفته به کلیسای «نوتردام» و به دنباله، اضافه شدن سرمایه‌های اندک شماری از جامعه، در خلاف ترهات دولت «مکرون» به جامعه و به مردم می‌باشد. پیداست که «مکرون» هم، همانند صدها رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و دیگر مقامات دولتی - حکومتی جهان، دروغ می‌گوید و اهداف و نیتش، به غیر از آن‌چه را که جهان سرمایه‌داری به دنبال آن می‌باشد، نیست. پیگیری سیاست ریاضت‌کشی و به راه اندازی جنگ و تنش در دیگر نقاط جهان، استثمار کارگران و محروم‌ترین اقشار جامعه، از زمره وظایف پایه‌ای عناصری هم‌چون «مکرون» را تشکیل می‌دهد و بدون کمترین شک و شبهه‌ای، باید گفت که کار و بار نظام مدافع وی، جز تعرض به معیشت کارگران، جز تشدید فقر و نداری مردم فرانسه نبوده و نیست. در بستر چنین حقایقی معین است که کارگران و دیگر محرومان فرانسه و به ویژه «واسکت های زرد»،

راهی جز مقابله با سیاست‌های ضد انسانی و استثمارگرانه‌اش ندارند؛ معین است که حاکمان فرانسه به‌مانند دیگر حاکمان جهان، زمینه زیستی میلیون‌ها کارگر، زحمت‌کش و دیگر قربانیان نظام‌های امپریالیستی را تنگ‌تر نموده‌اند و مجالی برای بازستانی حقوق پامال شده‌شان - و آن‌هم مقابله رودررو و خیابانی - باقی نگذاشته‌اند. پس مردم فرانسه بی‌دلیل، نسبت به سیاست‌های «مکرون» معترض نیستند و «واسکت های زرد» هم، بدون علت شنبه‌ها خیابان‌های فرانسه را با حمل پلاکاردها و شعارهای اعتراضی مزین نکرده‌اند. همه آن‌ها به دنبال زندگی در خور انسانی‌اند؛ همه آن‌ها خواهان تقسیم ثروت جامعه بین سازندگان اصلی آنند؛ همه آن‌ها خواهان حذف و ریشه کن کردن استثمار و رفع بی‌عدالتی‌های درون جامعه‌اند؛ بی‌عدالتی‌هایی که «مکرون» حامی و مولد آن است.

بنابراین و پُر واضح است که یک‌راه در برابر مردم فرانسه و دیگر کارگران جهان و محرومان قرار گرفته است و آن‌هم، تلاش برای حذف و طرد جانمایی هم‌چون «مکرون» از صحنه سیاسی و قدرت دولتی - حکومتی‌ست. به اضافه و پُر واضح است که جهان انسانی با وجود چنین عناصر و حکومت‌های استثمارگر و سرکوب‌گری، طعم دموکراسی حقیقی، برابری و عدالت اجتماعی در درون جامعه را نخواهد چشید. این دنیا و هم‌چنین جامعه فرانسه، نیاز به تغییر اساسی و بنیادی دارد. چرا که بنیه آن‌ها، با استثمار، با چپاول، با سرکوب و با غارت ثروت‌های جامعه - و آن‌هم - توسط اندک شماری از سرمایه‌داران و دیگر دار و دسته‌های مسلح‌شان پی ریخته شده است. حاکمان کنونی به یمن زور و سلاح، و به یمن تسخیر نهادهای حقیقی کارگری و مردمی، زندگی میلیاردها انسان دردمند را به تباهی کامل می‌کشانند؛ خواست کارگران جهان و فرانسه و هم‌چنین «واسکت های زرد» روشن است و طبعاً و بدون کمترین توهمی، روز و روزگاری، پایه‌های جوامع امپریالیستی هم‌چون فرانسه را با اعتراضات گسترده‌تر، همگانی‌تر و اما با محتوای روشن‌تر و هدف‌مندتر، زیر و رو خواهند کرد. تجربه کمون پاریس در سال ۱۸۷۱ و هم‌چنین جنبش کارگری و دانشجویی ماه مه سال ۱۹۶۸ و غیره، نه تنها از فضای سیاسی جامعه فرانسه رخت بر نیسته است، بلکه یادآور و آویزه منادیان و مدافعان حقوق برابر در درون جامعه می‌باشد. «مکرون» دغلباز به‌مانند دیگر سرمایه‌داران فرانسه بخوبی می‌داند که کشش و عیار سیاسی مردم این‌کشور، نسبت به دیگر جوامع اروپایی بسیار بالاست و نمی‌توان با زور و تهدید پس‌شان زد. اعتراضات متعدد کارگران حمل و نقل، بیمارستان‌ها، کارمندان و فراخوان‌های ممتد اتحادیه‌های کارگری در برابر تعرضات و سیاست‌های ضد کارگری دولت «مکرون»، از جمله معضلات رودررو و روزمره دولت «مکرون» را تشکیل می‌دهد. این روزها کسی اعتنائی به اراجیفش نمی‌کند؛ شخصیت و توبره سیاسی‌اش، فاقد جذبه و اعتبار، میان میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی‌ست. به عبارت صریح‌تر جامعه فرانسه در محدوده سیاسی یک لحظه آرام نیست و خلاف بعضی کشورهای اروپایی، نماد آن را می‌توان در اعتراضات خیابانی و در میدانی تولیدی - طبقاتی به‌عینه دید. طرح شعارها و مطالبات سیاسی هم‌چون "زنده باد دموکراسی مستقیم" و یا "ما خواهان آن هستیم که قدرت مردم توسط مردم و برای مردم اعمال شود"، نشان‌دهنده امیال و خواستی‌ست که از گذشتگان به اعتراضات و جنبش‌های کنونی فرانسه منتقل شده است.

خلاصه جامعه فرانسه همانند دیگر جوامع سرمایه‌داری، آماده تغییر و آماده پس زدن حکومت‌مدارانی هم‌چون «مکرون» است بی‌گمان، تغییر اوضاع اسفبار کنونی و دورنمای روشن آن، ربط مستقیمی با دخالت‌گری سازمان و حزب کمونیستی و آن‌هم در ارتباط با جنبش‌های کارگری و اعتراضات مردمی هم‌چون «واسکت های زرد» دارد. روشن است که جنبش‌های خودانگیخته کارگری و مردمی، به هر میزان ارتقاء و آگاهی و مهم‌تر از این‌ها بدون سازمان هدایت‌گر کمونیستی ره به جایی نخواهند بُرد. چرا که دشمن نهادها و نیروهای متشکل و سرکوب

کننده مختص به بقایش را سازمان داده است و در مقابل کارگران و محرومان هم، نیازمند تشکلات و سازمان‌های حقیقی خود در درون جامعه و دیگر میادین سیاسی، اقتصادی - صنفی‌اند. ضرورت و نیازی که بنابه تجارب تاریخی، پاسخ حقیقی و راستین خود را از دل جامعه، و از دل جنبش‌های کارگری و مردمی خواهد گرفت و ریشه نظام و سیستم امپریالیستی را، به همراه تمامی مدافعانش خواهد سوزاند.

۶ مه ۲۰۱۹
۱۶ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۸